

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیا شد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۰۰۹ / ۹ / ۰۴

طوس قره

تلفن زنگی زد و ، محترم (قیس کبیر)
طلب یاری ، ازین بی سر و بی پا میکرد
سخنش قند و شکر بود و ، گهی شیر و عسل
لیک با زهر عمل ، طرح معما میکرد
گاه چون گربه ای ، بر گوشت نگهبان میشد
گه چون گرگ ، شبانی گله ها را میکرد
گهی در آتش تعبیر ، کبابم می کرد
گهی در کوره تفسیر ، مربا میکرد
ز قضا و ز قدر ، مست شرابم میکرد
آش تقدیر گهی پخته به مُلا میکرد
گهی با مکر ، به هر خانه خرابم میکرد
گهی با نغمه نیرنگ ، مُدارا میکرد
گهی افغان و گهی جرمن و گه هردوی شان
گاه بر واژه (پورتال) ، چلیپا میکرد

گهی می پُخت کچالو و گهی کچری قروت
 دال ، از دیگِ گیش ، تفت به بالا میکرد
 گهی از شاخ به شاخ و ، گهی از بام به بام
همچو زاغ و زغنی ، شکوه ز عنقا میکرد
 او همی گفت که ما ، خیلی بزرگیم و سترگ
 با وجب ، متر و گزی ، قامتِ رعنا میکرد
 عاقبت شَف شَفکَش ، ناگه شدی شفتالو
(طوسِ قره) هوس و میلِ کجاها میکرد
 گفت ! یک صفحه نو ، باز نمودم به شما
 یعنی همکاری ازین بنده ، تقاضا میکرد
 گفتمش بنده ز همکارِ شما بود ، همیشه
 ولی سانسورِ شما ، ماره گریزا میکرد
 دامنِ صبر که سوراخ شد از جور و ز جفا
 طبعِ آزاده ما ، پینه تمنا میکرد
 من که از حُسنِ نظر ، شعری سرودم ، عجا
 پاسخِ پُوج ، چرا ؟ جلوهُ فحشا میکرد
 زان سبب مدتِ ده روز شدی مهلتِ تان
 معذرت ، زخمِ زبان ، زود مُداوا میکرد
 بعد بر پاسخِ آن کج دهنی های شما
 شعرِ (باروت و جفا) نشر به هر جا میکرد
 حال هشت روز از آن مُهلتِ ما میگذرد
 کاش می شد که قلم ، طاقتِ فرسا میکرد
 « نعمتا » صبر ، دو روزِ دگرش هم گذرد
 بعدِ آن راکتِ اشعار ، چه فرما میکرد

نوت :

منظور از (کچالو، اشاره به جرمن) ، (کچری قروت ، اشاره به افغان)
 و منظور از (دال ، اشاره به پاکستان) است